

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

راه ناپیدا!!!

در دل دریاچه ای آرام، چون سیمابها
همچو نیکیها، به صد امید در گردابها
دسته ها گیریم با خود، این چنین اسبابها
پیشتر رانیم، به تو گویم ز الفت بابها
جامها بر سر بیارم، از شراب نابها
یا من آهنگ حسیب زینی سر کنم با آبها
یا من از مستی کنم در گوش تو آلابها
سیمگون افتد به روی موجهای آبها
نغمه ها سازم برون با ناخن مضرابها
همچو شیش معتکف در گوشه محرابها
من خورم پیشت چو مرغ کشته پیچ و تابها
تا برد آخر ترا بر زانوی من خوابها
تا برد ما را چنیبن، از بیخودیا آبها
عشقها ورزیم در این ورطه نایابها

ای خوش آن شبها که همراهِ تو در مهتابها
بی قرارها کنیم و کشتی شوق افکنیم
از می و جام و صراحی و دف و چنگ و سرود
یا تو بنشین و من، برخاسته، پاروزنان
یا تو برخیزی و من بنشسته، اندر پای تو
یا تو بکشائی نظر بر صفحه خاموش آب
یا تو بر بندی کمر، بر عزم مستی و سرور
از خلال موج مویت، پرتو سیمین ماه
با سرگیسوی تو بازیکنان از تار دل
سجده ها بر طاق ابرویت کنم از شوقها
تابها بر کاکلت افتاده باشد سر بر سر
آنقدر افسانه ها گویم به گوشت از جنون
تو به خواب اندر شوی و من ز خود بیرون روم
بسپریم راهی که ناپیداست انجامش به چشم

زندگی گردابها دارد «اسیر»، ار ساعتی

وارهیم از این همه گردابها، سیلابها

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۱۷ قوس ۱۳۳۷ ش)